

نام دبیر: آقای **مسعود محمدی**

تاریخ امتحان:

رشته تحصیلی: **یا زحم معارف**

مدیریت آموزش و پرورش منطقه ۱۴

دبیرستان غیر دولتی پسرانه پیام غدیر

پایانی اول ۹۹-۹۸

پاسخ نامه درس: **تایخ ۲**

ساعت شروع امتحان: صبح



الف

۱- الف در صفت کهنس محمودیت را بر شمعان به والی خود در بر سر راه دستور داد
به اسرار شعیان رسید غیبی با لغو تا زنی لعن و نامت اگر می به با علی ج با گردانند نزد

۲- الف: بزین فراسان محل انتقال تعداد زیادی از سینه که بر اساس قرآنیست نبوی به میانه
علاقه سینه بودند و برای استوار رفتن جهت مناطق شمرتی در خراسان و خضر دانسته
به تعداد زیاد از سینه این بزین والی بودند که پس از اسلام آوردن هزاران بعرب در رفته است
(درین ۳)

۳- الف: نهفت انکامت فقط به دولت است اهل بیت انحصار نداشت بلکه طایفان علم از نرس
های مختلف در حوزه دروها انکامت که کردند مانند ابر حنیف
به انکامت اهلیت ویژه ای به تعلیم قرآن فقه اصول و فروع می دادند و همچنان به تعلیم علوم نجوم در

۴- الف: انکامت بر اندام رعایت تغییر یافته و ضروری و ضروری و ضروری و ضروری و ضروری و ضروری
تکلیف شیعیان بودند
به کوه و کوه از انجوه در مساز و منظر و علم انحصار به با خلقای عباسی بود انکامت و کوه ها در باطل حد است

۵- الف: ازین برید محبوبیت انکامت از طریق در بر سر راه حضرت با انصاف حکومت به بهار قیام
علوان به رسیده انجمن طاهری خواسته آنال در اعطای حکومت به انکامت شیعیان درین دوره
۶- الف: حضرت بر زنده است به لیت پیغمبر و ولایت انکامی به بنیان اصول و مفاهیم اخلاقی و فقهی
به نگر از سطر رعایت اصول اخلاق در بناطرات انکام دیده می شود و هدف انکام در بناطرات
هدایت طرف مقابل از راه علم و منطق بود (درین ۵۳)

ب

۱- برخلاف زنده واقعه که در کلا انکامت بودند شیعیان به آنال اعتماد و احوال زیادی به انکامت سپرده بودند
این عهد به شنیدن خبر رحلت انکامت در بنامت حضرت را انکار و از تحویل احوال به انکامت رضا سر باز زدند
الف: انکامت تقاضای و مطامع به ستر واقعه انکامت در بر راه اصول و تحویل دهند

۲- در شبوت همکاران واقعه از جمله زنده بودند انکامت و موضوع مهدویت آن حضرت در ۱۷ صفر ۵۳
۳- گروه برجسته بر این باور بودند که قرار به ظهورش کافر است و نیازی به انکامت عین نیست به
در دستور اسلحه نیست و از زنده تحفه به حکومت و عدم تضاد نیست به کفر و ایمان یا حق و باحق بود اگر بود



۳- در سن ۲۵ سالگی

۳- سه روز بعد از آن سرشناس کوفه به شهادت رسید و وی از یاران کشته‌گان مسلمانی کوفه بود و در جرم پنا داران به ایشان به دست عبدالمطلب در روانه زندان است. مختار بن ابی ذریه توانست زمین را بر سرها و با شعار بالذات الحی من قیام خود را آغاز کرد و یارانش را از ایشان به او پیوسته مختار بن ابی ذریه دست یافت و عمر را قتل رساند و شرفی که مختار عبدالمطلب بن مروان را به وقت انداخته پس میان مختار و یارانش در گرفت و

۱- آنکه از وقت که پیش آمد و بهر طرفه در شرف خود در کوفه ضمن انقاد از بد عهدی کوفه حرکت آنکه این را حرکت الهی خوانند که در سیر تعبیری شد آنکه انقضای پس عت و هدفه قیام آنکه همین معصیت ظالمانه بنی امیه را بر ملامت داشت

۲- الف از زمانی که اختلافات و درگیری در اخلی خاندان اموی بر سر جانشینی مطرح شده بود برای توطئه بر ضد مروان جواری در دوران حکومت هشام بن عبدالملک شروع کرد و اخلی آغاز شده بدولت امویان در آن دوران حکومت خودکار در خلافت شروع و عرف جلیع اسدی را انجام می دادند تا جایی که به تدریج محبوبیت خود را از دست داد و خلفای اموی در صورت احکام خلافت قرآن و سنت نمی دیدند

۳- آنکه صرف به جهت معنوی نفوذ زیادی در میان اهل مدینه داشت و جواری وقت نظر خاص ما حلیع بود در این شرایط آنکه سیاست تغییر را در پیش گرفته و سعی در راهم به این امر توطئه می کرد تا این حال حرکت در عین کفایت از عرصه رقابت تعیین به بیان جلیع داشت و نسبت من برداشت

۴- آنکه صرف جانشینی فرزندان را فرزند به برض از یار خاص خود اعظم و در وقت خود افزودن بر آنکه کاظم عبدالله بن جعفر فرزند دیگر آنکه و منصرف عصبی را در صحنه خود معرفی نمود این موضوع تا حدی موجب سردرگمی سعی در وقت جانشینی آنکه شد از سر او عصبانیت عبدالله بن اقطع و رابط را پیچید در روزی که آنکه بنام جلیع گزارش داد و عصبانی نزد عبدالله بن اقطع رفت و او را جانشینی آنکه صفت داشت

۵- با عنوان به تنوع فضیلت قرصه اقدام در دستور داد آنکه علی و دیگر عدلت که را در مقام موسوم به بیت الحکمه جمع آورده و توطئه کنند تا علان که تدریس امور عیسای من به طریق این داشت تا تدریس بی برتری از تدریس نظر به علم خود و سرکوب کرد که تدریس از این بود که با عنوان و تدریس فرزندش فضل بن سهل بود

۶- زمانی که آنکه به تدریس رسید اجتهاد انبوهی مواجه شد به برای استقبال از وی آمده بودند در محل آنکه به تقاضای مردم و طالبان علم حدیث معروف به سلسله الذهب که فرمود کلمه لا اله الا الله حصاری در من است و کسی که داخل شد شود از غناب من در آن است مویک آنکه وقت که در این هنگام امپران با صمدی بر ساقین دعوا کرد این امر از غناب در بر توطئه و توطئه است در من از من و اول آن دعوت لذا آنکه در یک حقه اساسی تفکر شیعی را بیان فرمود



۷- علت نماندن به وصیت بود اول آنکه امام زین العابدین علی و دشمن اول خاندان

بنی هاشم بودند که خود ترم بودند از اهل بیت قرابت است دوم امام جواد و اعدا

بنا بود که امام علی بن ابراهیم نزدیک ترین فرد خلیفه است پس از آنکه دارش تمام شد تحت شهادت و ابروت بی

۸- بنا بر گزارش در تاریخ زمانه که بنا بر قصه خود را بنویسند بر از روح زخمش با محمد بن علی استوار بود که

بر آن گفتند و او را مورد کوشش قرار دادند آنوقت کم آنکه از بیوه ترار داده او را فتنه داشت کافر درین راسته

عقبه بود پس دادند که امام جواد به منصب ولاستعهدی برسد ایضا که قدرت را دست بگیرد

۹- الف- وجود زندیقان به بحث کلامی گترو در مورد توحید و اهل و حبه خداوند صحیح می بود

ب- حضور گترو اند شیعده از ارباب فو تلاش برای گسترش افکار و عقاید گترو

ج- رومیان خود صلواتان بحث کلامی چه به مطرح بودند نمذ است و صحبت اینها

د- وجود اشعاریت در دوره ششم و برضه از فتنه که گفته واقعه که و غلامان

۱۰- که از راهکار در اجازه نفوذ برضه از شیعیه در مناسب حکومت بود امام همام با درگاه

خلافت راه شوق صحبت و گفت به شیعیه نفوذش چه نمود صحبت مالی از شیعیه را در برضه

و مشکلات آنان انتمال الطایف از دیون در لغت خلافت به امام شیبانی اتمتده از شیب

ارتباط رکالت از اهداف امام کاظم بود